

گفت‌وگویی صبا با عوامل فیلم مستند «لعبت باز»

قدم‌های مبارک خیمه

مریم عظیمی
گفت‌وگو

فیلم مستند «لعبت باز» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی پوریا نوری که این روزها در گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود سراغ جعبه فراموش شده عروسک‌های خیمه شب بازی رفته و به همراه سیاوش ستاری که سالهای عمر خود را در پای خیمه این هنر نمایشی سنتی گذرانده به سفری جذاب به دورترین نقاط ایران رفته و از مواجهه بکر فرزندان ایران با این تماشاخانه سیار و تلاش‌های سیاوش ستاری در این راه می‌گوید. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم مستند را می‌خوانید.

پوریا نوری، تهیه‌کننده و کارگردان:

این فیلم برای علاقه‌مندان به فرهنگ کهن ایرانی است

آشنایی شما با آقای ستاری و آغاز این پروژه به چه شکل بود؟

من با آقای سیاوش ستاری آشنا و پیگیر کارهای‌شان بودم و یک ارتباط دوستانه وجود داشت که متوجه شدم ایشان موضوع خیمه شب بازی و حفظ آن را خیلی با جدیت پیگیری می‌کنند و می‌خواهند یک تماشاخانه سیار در چابهار راه‌اندازی کنند و اینجا بود که فیلمبرداری‌های کار ما کلید خورد و آغاز شد. یعنی از راه افتادن تماشاخانه سیار که یکی از آرزوهای سیاوش ستاری بود. او می‌خواست با این تماشاخانه سیار خیمه شب بازی را به جاهای مختلف و روستاها مناطق محروم برسد و اجرای خیمه شب بازی کند و اینگونه بود که سال ۹۸ به واسطه به تحقیق پیوستن این رویای آقای ستاری فیلمبرداری‌های مستند «لعبت باز» آغاز شد و حدود ۴ سال طول کشید و من در تمام فعالیت‌های سیاوش ستاری در راستای حفظ این هنر سنتی ایران همراهش بودم. فیلمبرداری‌ها در مقاطع مختلف و در شهرهای مختلفی مثل تهران، زنجان، اصفهان و چندین بار در چابهار و استان سیستان و بلوچستان و روستاهای چابهار در طول این چند سال انجام شد و عمده فیلم هم در چابهار و روستاهای اطرافش می‌گذرد.

این مستند به کدام دسته از آثار مستندات متعلق است؟

این فیلم در حقیقت یک مستند اجتماعی است که راجع به یکی از موضوعات قابل بحث روز ساخته شده است. یعنی در واقع سیاوش ستاری تلاش می‌کند تا علیه این فراموشی تاریخی نسبت به خیمه شب بازی و هنرهای سنتی ایستادگی کند و به آنها نور بتابد البته این مستند را می‌توانیم به نوعی یک مستند اجتماعی تاریخی بنامیم چرا که مسائل تاریخی نیز در این مستند مطرح می‌شود.

در طول مستند به نظر می‌آید که از چند دوربین مختلف برای تصویربرداری‌ها استفاده شده است. آیا با چالش‌های خاصی در زمینه تصویربرداری روبرو بودید؟

من فیلمبرداری این کار را با دو مدل دوربین انجام دادم و هدف اصلی من این بود که درگیر کادربندی زیبا و عجیب و غریب نشوم. در صورتی که در بخش‌هایی از فیلم می‌بینیم که قاب فیکس است. مثلاً پلان شتر و یا پلان لب ساحل اما هدف اصلی من این بود که دوربین وسیله‌ای باشد که با آن یک سری لحظات را ثبت کنم.

ما یک بخش‌هایی از این فیلم را با یک دوربین DSLR 5D و لنزهای مختلفش و بخش قابل توجهی از فیلم خصوصاً در حوزه مواجهه با بچه‌های بلوچ را با یک دوربین کوچک گوپرو گرفتیم. من از این جهت از دوربین گوپرو استفاده کردم که بچه‌ها متوجه دوربین نباشند و کاملاً خودشان باشند. اگر در پلان هادقت کنید می‌بینید که معمولاً نگاه بچه‌ها به دوربین نمی‌افتد و متوجه دوربین نیستند بنابراین همه اتفاقات فیلم هم مستند بود یعنی به هیچ وجه چیزی چیدمان شده نبود و همه چیز در لحظه اتفاق می‌افتاد.

دغدغه‌مندی یک مستندساز تا چه حد می‌تواند به بعد هنری فیلمش، برتری داشته باشد و اساساً کدام یک از آنها در گام اول برای یک مستندساز اهمیت دارد؟

به نظر من همان گونه که بعد هنری مطلب بسیار مهمی است و اثری که تولید می‌شود باید بتواند مخاطب را از نظر هنری اقناع کند اما به نظر من مسئله اصلی مستند این است که مسائلی را مطرح کنند که در رسانه‌ها و در فضای سینمایی داستانی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. من در سه مستندی که تاکنون ساختم در مورد سه شخص کار کردم که به نظر من آنچنان که باید و شاید به اندازه و نشان مورد توجه قرار نگرفته بودند. من سعی کردم با استفاده از فضای سینمای مستند به دغدغه‌های خودم یعنی قصه‌هایی که فراموش شده‌اند و مورد توجه نیستند و در ویتترین قرار نمی‌گیرند بپردازم و برجسته‌ترشان کنم.

گاهی در آثار مستند ممکن است مستندساز با مسائلی روبرو شود که اصلاً در تصورش نبوده و مسائلی که علاوه

مستند شما گذاشته‌اند غیر قابل انکار است. تأثیری که شاید حتی برای خود شما هم قابل پیش‌بینی نبوده است.

دقیقاً همینطور بود و در صحبت‌مان با سیاوش ستاری نیز همواره می‌گویم که بخش بلوچستان و بچه‌های بلوچ تأثیر غیر قابل انکاری بر فیلم دارند. به همین دلیل مادر پوستر فیلم هم تصویر بچه‌های بلوچ را کار کردیم نه تصویر خود سیاوش ستاری را با اینکه فیلم به فعالیت‌ها و تلاش‌های سیاوش ستاری می‌پردازد.

اگر تأثیری که آنها بر قصه گذاشتند و بافت و فضا را عوض کردند، نبود اثر صرفاً تبدیل به یک مستند بیوگرافی در مورد فردی می‌شد که در زمینه گسترش هنر خیمه شب بازی تلاش می‌کند و رنگ و حس و حالی که بچه‌های بلوچ به این فیلم اضافه کردند و اساساً اتمسفر بلوچستان، چابهار و روستاهای اطرافش و خصوصاً بچه‌های بلوچ و آن دنیای خالص و جهان بزرگشان خیلی کمک کننده بود.

سخن پایانی

این فیلم برای علاقه‌مندان به فرهنگ کهن ایرانی است و می‌تواند برای کسانی که دوست دارند فرهنگ تاریخی و کهن ایرانی را دنبال کنند یک کالای فرهنگی مناسب باشد.

سیاوش ستاری، استاد هنر خیمه شب بازی:

برای رستخیز فرهنگ ایران پیش از این تلاش کنیم

اهمیت این پروژه مستند برای شما چه بود؟
مادر وهله اول این پروژه را به عنوان یک فیلم آغاز نکردیم و قرار بود

بر به چالش کشیدن او می‌تواند تأثیرات بلند مدتی نیز در روحیاتش داشته باشند. آیا شما در طول این مستند با توجه به محدودیت‌های گسترده‌ای که مردم منطقه با آن روبرو هستند تجربه‌ای از این دست داشتید؟

متأسفانه آنچه که در فضای سوشیال مدیا از بچه‌های بلوچ گفته می‌شود یک تصور ناقص ایجاد کرده و آن این است که آنها صرفاً دغدغه یک بطری آب یا نیازهای روزانه را دارند. بله این‌ها جزو دغدغه‌های این کودکان است اما این کودکان، جهان بسیار بزرگی دارند. شما در مستند «لعبت باز» علی و فاطمه را می‌بینید که مجذوب خیمه شب بازی شده بودند و روستا به روستا همراه ما می‌آمدند و این مسئله من و سیاوش ستاری را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. اینکه خیمه شب بازی توانسته بود این بچه‌های بلوچ را که از امکانات اولیه نیز برخوردار نیستند و ممکن است دسترسی به تلویزیون یا موبایل نداشته باشند جذب خود کند برای ما قابل تأمل بود. من و سیاوش ستاری متأثر و منقلب از واکنش آنها و بزرگواری و خلوص نیت‌شان شده بودیم. جهان بزرگی که بچه‌های بلوچ دارند هیچ وقت در رسانه‌ها دیده نمی‌شود و ما عمق مهربانی و شگفت‌زدگی آنها را نمی‌بینیم.

از اکران‌ها تا این لحظه و در ادامه بگویید.

ما یک نوبت در موزه سینما اکران داشتیم و یک نوبت نیز در خانه هنرمندان و در حال حاضر نیز اکران هنر و تجربه کار آغاز شده و پس از اتمامش نیز در اوایل آذر اکران آنلاین این مستند از پلتفرم هاشور آغاز خواهد شد.

تأثیر و رنگی که جغرافیا و انسان‌های آن منطقه روی فیلم